

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اطلاعیه

در باره دیدار هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران
با هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

مرکزی حزب
رمو سالاتی (Remo Salati) عضو شعبه خارجی
حزب

نسبت به سیاست داخلی و خارجی رژیم، در تسلط سرمایه خارجی بخصوص سرمایه امریکایی بر اقتصاد ایران که منابع ملی ایران را تابع منافع اقتصادی و استراتژیک خود قرار میدهد و همچنین در خصمیت توسعه طلبانه و تجاوز کارانه سیاست خارجی رژیم نسبت به کشورهای همسایه، بویژه کشور های خلیج فارس و دریای عمان که صلح و رشد همکراتیک را در منطقه بیش از پیش بخطر میاندازد، تظاهر میکند.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از ابراز تشکر از همبستگی حزب کمونیست ایتالیا با مبارزه طبقه کارگر و مردم ایران علیه رژیم شاه، از پیروزی حزب کمونیست ایتالیا در انتخابات پارلمانی و محلی که تأییدی است بر سیاست درست حزب کمونیست ایتالیا، ابراز خرسندی کرد.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا پس از ابراز تشکر از اطلاعات هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، بار دیگر همبستگی حزب کمونیست ایتالیا را با مبارزه دشوار حزب توده ایران علیه رژیم شاه و سیاست اتحاد آن برای استقرار آزادی،

دمکراسی و پیشرفت واقعی اجتماعی در ایران اعلام داشت. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا بار دیگر تعهد خود را برای تشدید کارزار همبستگی با مبارزه میهن پرستان ایران، هم در سطح کشور و هم در پارلمان، تأکید کرد. در پایان مذاکرات، هر دو هیئت نمایندگی تأکید کردند که مناسبات بین دو حزب را بسود خلقهای ایران و ایتالیا تحکیم بخشد و بسط دهند.



رفیق ایرج اسکندری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و رئیس هیئت نمایندگی، با رفیق برلینگوئر دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا ملاقات کرد.

دیداری صورت گرفت. ضمن مذاکراتی که در محیط برادرانه انجام شد، طرفین اطلاعات وسیعی در باره اوضاع کشورها و احزاب خود بیکدیگر دادند. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران بویژه بر روی ماهیت رژیم شاه تکیه کرد که هر فقدان کامل آزادیهای دمکراتیک، اختناق بیرحسانه و فقدان حد اقل امکان انتقاد برای اپوزیسیون سیاسی

در ماه اکتبر ۱۹۷۶ بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران بریاست رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا مرکب از رفقا: تولیو ویکتی (Tullio Vecchetti) عضو دبیر کمیون حزب، پیرو پیرالی (Piero Pieralli) عضو کمیته

پیرامون مصاحبه «مهم» شاه

چنان دست کورتل بین المللی را در تصاحب سالیانه بیش از سیصد میلیون تن نفت خام ایران باز گذاشته و حتی آن را به استخراج و صدور بیشتر نفت خام ایران بخارج تشویق و ترغیب مینماید؟ چرا زمانیکه اکثر کشورهای نفت خیز در حال رشد مالک واقعی صنایع و ذخایر نفت خود شده اند، شاه هم چنان از ابتناء امتیاز کنسرسیوم دفاع میکند و بعنوان مختلف از ملی کردن نفت ایران طفره میبرد؟

بهمه این سوالات و سئوالات نظیر آن، با در نظر گرفتن این امر که شاه به اهمیت نفت و گاز و خطر پایان یافتن ذخایر نفت ایران واقف است فقط یک پاسخ میتوان داد. آت پاسخ اینست که شاه عالماداً بمنافع ملی ایران در نفت خیانت میکند. هدف غائی شاه و مأموریت نهائی سلسله پهلوی چنان که خود در مصاحبه اش اعتراف میکند اینست که نفت ایران موقی تمام شود که عمر طبیعی او نیز تمام خواهد شد.

حال که صحبت از نفت بمیان آمد بجاست به اعترافاتی توجه کنیم که در مورد بهدر دادن درآمد نفت در مصاحبه مطبوعاتی شاه دیده میشود. ما همه نیروهای حافظ منافع مردم ایران باز ها گفته و متذکر شده ایم که درآمد نفت ایران در شرایط کنونی به دست رژیم آتش زده میشود. اکنون خود شاه است که در مصاحبه مطبوعاتی خویش به این واقعیت اعتراف میکند و وعده میدهد که «اگر پولی اضافه بیاید آن را دیگر آتش نخواهیم زده و نخواهیم گذاشت باز همان لاشخور ها جمع شوند و طرح بدهند که با درآمد اضافی فلان کار و بهمان کار را میشود کرده» و اشتباهات گذشته را مسلماً دیگر تکرار نخواهیم کرد؛ دوره کوتاهی (نقطه سی و پنج سال) بود که تمام شد و رفت.

لیکن آیا این اعترافات، که تنها یکی از آنها برای کنار گذاشتن تمام سلسله پهلوی از حاکمیت کانیست، میتوانند به این معنی تلقی شود که گویا شاه در آینده درآمد نفت ایران را آتش نخواهد زد؟ پاسخ این سوال، چنانکه در همین مصاحبه دیده میشود، منفی است. درست بعکس، شاه دستور میدهد که از این پس همه اضافه درآمد نفت صرف انجام اموری نظیر خرید سهام کروب شود و در جاهائی مثل کروب، سرمایه گذاری شود. از قدیم گفته اند «توبه کرگ مرگ است». حقا که در مورد دفاع از منافع ملی در نفت، جز طرد رژیم، هیچ راه حل دیگری وجود ندارد.

مسئله کشاورزی

از فلاکتی که دامنگیر کشاورزی مملکت شده همگان اطلاع دارند. سیاست ضد ملی و ضد دهقانی رژیم در کشاورزی به وابستگی بیش از پیش تأمین خواربار و آذوقه مردم به واردات محصولات کشاورزی از خارج انجامیده و فقر و ورشکستگی عظیمی را دامنگیر میلیونها خانوار دهقان زحمتکش و کشاورز خرده مالک نموده است. این سیاست تا آنجا افشا شده که حتی در صفحات روزنامه های زیر سانسور و از پشت تزیبون مجالس دست نشانده نیز از آن انتقاد بعمل میاید. خطری که از راه وابسته شدن تأمین غذای مردم با واردات محصولات کشاورزی از خارج بوجود آمده و حربه بسیار مهلکی را بدست امپریالیسم، بویژه امپریا

هفله اول ایاتامه در آستانه تشکیل کنگره حزب رستاخیز مصاحبه مطبوعاتی تازه ای از شاه ملت جراید زیر سانسور انتشار یافت. برخلاف که مصاحبین، خبرنگاران خارجی بودند، نیاز سئوالات امیرطاهری مظهر روزنامه «کیهان»، ابراز نظریات خود در مسائل مختلف داخلی و قرار داده و بدینوسیله افراد داخل کشور را خود ساخته است.

بجهت اخیر و هم از آن نظر که اظهارات شاه که خود او دستور داده پایه مشی کنگره و ات آن قرار گرفته، بجا خواهد بود اگر پارهای لب اظهار شده را مورد بررسی قرار دهیم. این از اینجهت نیز مفید است که نشان میدهد از حزب رستاخیز علیرغم سر و صدای فراوان، دید سیاست ضد ملی و ضد خلقی رژیم نتیجه ن بدست نیامده و نمیتوانسته هم بدست آید. مصاحبه مطبوعاتی اخیر شاه مانند تمام مصاحبه بگر او ملق و پیچیده، بدون مبتدا و غیر پایان است. بررسی مطالب به شیوه ای که آنها پاسخ میدهد نه در حجم سئوالتی بسیار روزنامه مردم، میگنجد و نه اصولاً چنین بررسی ن دارد. بدینجهت ما بررسی مصاحبه را با تکیه بند مطلب مهم از مطالبی که شاه پیرامون مسائل داخلی و خارجی بیان داشته انجام میدهم.

مسئله نفت و درآمد آن

از مسئله نفت و درآمد آن شروع میکنیم که ابع از اهم مسائل سیاست داخلی و خارجی کشور

انصاف باید داد که شاه نسبت به اهمیت نفت و آینده ای که در انتظار ذخایر نفتی کشور ما بیگانه نیست. این سخنان از متن مصاحبه ای او که میگوید «نفت را نباید برای تولید برق و حرارت سوزاند و باید در پتروشیمی بکار ... بالاخره دنیا به این حقیقت خواهد رسید و زوالدن نفت و گاز طبیعی برای تولید انرژی یک است ... موقی خواهد رسید که نفت قیمت خود را در بازار پیدا کند ... قیمت نفت هنوز پایین است که سایرین اصلا دنبال دیگر منابع نمیروند ... و یا این اظهار نظر که «این نفت ی تمام خواهد شد، بیست یا سی سال دیگر، قع جمعیت کشور ما حدود ۶۵ میلیون نفر بود، و در دست در همانموقع نفت ما تمام شده همه حاکمیت که شاه هم به اهمیت نفت و اقف است و هم به خطری که با تمام شدن این ثروت گرانبها ایران را تهدید میکند هی دارد. البته اینها مطالبی است که محافل دمکراتیک بارها قبل از شاه آنرا تأکید و کرده بودند.

با چنین احوالی بخودی خود این سوالات مطرح است که چرا با وجود آگاهی به یک چنین شاه سیاست نفتی رژیم خود را بر پایه بهدر هر چه سریعتر ذخایر نفت ایران، پیش فروش این ذخایر به کنسرسیوم غارتگر نفت و از دادن نفت ایران با بهای نازل کنونی بنا است؟ شاه چرا با تمام توان با صرفه جویی در آج و صدور نفت بخارج مخالفت میورزد و هم

کنفرانس همبستگی سندیکائی بین المللی با زحمتکشان و خلق عرب فلسطین

از روز ۲۵ تا ۲۷ اکتبر ۱۹۷۶ دومین کنفرانس بین المللی سندیکائی برای پشتیبانی و همبستگی کران و خلق عرب فلسطین در شهر (کارل مارکس) در جمهوری صحرائیک آلمان تشکیل گردید. دبیر خانه کمیته دائمی سندیکائی بین المللی برای همبستگی با کارگران و خلق فلسطین گزارش کار خود را پس از اولین کنفرانس (۱۹۷۱ در صوفیه) بکنفرانس تقدیم کرد. در این گزارش به گسترش همدردی و همبستگی در مقیاس جهانی نسبت بخلق مظلوم عرب فلسطین و پیروزیهاییک جنبش مقاومت فلسطین زیر رهبری سازمان آزادی فلسطین بهای فداکاریها و قربانیهای این خلق. با پشتیبانی همه نیرو های ضد امپریالیستی جهان در درجه اول مجتمع کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد جماهیر شوروی در صحنه بین المللی بدست آورده، اشاره شده است. سپس توسطه امپریالیسم و صهیونیسم برای در هم شکستن جنبش مقاومت خلق عرب فلسطین در لبنان و سرکوب نیروهای مترقی این کشور افشا گردیده است. بدنبال این گزارش نمایندگان بیش از صد و پنجاه سازمان سندیکائی کارگری و فدراسیون سندیکائی جهانی همبستگی و همدردی خود را نسبت به جنبش مقاومت فلسطین و نیرو های مترقی لبنان ابراز کردند. نماینده ایران نقش دو

و ژاندارم امپریالیسم، یعنی اسرائیل صهیونیستی و حکومت استبدادی ایران را در خانور میانه بیان داشت و دورویی حکومت ایران را در مورد مسائل خاور میانه و ارتباط نزدیک آنرا با اسرائیل و ارتجاع عرب و بخصوص با کامل شمعون دوست قدیمی شاه ایران که در حوادث لبنان کمک تسلیحاتی و مالی از طرف شخص شاه دریافت کرده، افشا نمود. نماینده ایران همبستگی زحمتکشان و مردم ایران را نسبت بخلق عرب فلسطین و نیروهای مترقی لبنان اعلام و خواستار شد که علاوه بر پشتیبانی سیاسی و معنوی از آنها سازمانهای کارگری و نیرو های مترقی جهان هرچه زودتر تری بیاری دهها هزار مردم لغت، گرسنه، زخمی و بیخانمان فلسطین در لبنان که بویژه با فرا رسیدن زمستان در خطر نابودی هستند با گرد آوری کمک مالی و وسائل اولیه زندگی بشتابند. این کنفرانس که مظهر سازمانهای کارگری و زحمتکشان جهان بود با فرستادن یک پیام به مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یک پیام خطاب ب مردم جهان کار خود را با کامیابی پایان داد. در پیام به سازمان ملل متحد اجرای تصمیمات شورای امنیت این سازمان در مورد حقوق ملی خلق عرب فلسطین برای ایجاد حکومت مستقل خود در خاک میهنش خواسته شد و دنباله در صفحه ۲

پیرامون مصاحبه مهم، شاه

لیسم آمریکا داده در همه محافل علاقمند به استقلال کشور نگرانی چلی بوجود آورده است. به همین جهت است که این محافل خود را ناگزیر می بینند از زبان مخبر «کیهان» به شاه اعلام خطر کنند که نگاه داشتن «قیمت محصولات کشاورزی برای تولیدکننده داخلی در سطح پایین» امر کشاورزی را مختل ساخته و نتایج وخیمی ببار میآورد.

ببینیم شاه به این اعلام خطر چگونه برخورد میکند؟ او راست و پوست کنده با افزایش قیمت برای محصولات کشاورزی تولیدی در داخل مخالفت میورزد. سعی شاه حتی اینست که با استدلال غلط و وارونه، ضرورت نگاهداشتن قیمت محصولات کشاورزی تولیدی داخلی را در سطح نازل تر از محصولات کشاورزی وارداتی از خارج ثابت نماید.

بازده کم، کارایی کمتر و تولید بسیار اندک و پراکنده در کشاورزی ایران درست دلالتی است که نشان میدهد قیمت محصولات کشاورزی ایران نمیتواند و نباید نازلتر و حتی برابر با قیمت محصولات کشاورزی در کشورهای هند و بلارو از وضع مساعد سیستم پیشرفته کشاورزی هستند و وضع مساعد اقلیمی و جوی نیز برخوردارند. وضع موجود در کشاورزی ایران درست ایجاد نمیکند که تصمیمات مهمی جهت حفظ آن از رقابت ناسالم خارجی، بخصوص رقابت ناسالم امریالیستی در کار مهم تولید کشاورزی اتخاذ گردد. آنهم بویژه در مرحله کنونی که فروش خواربار به یکی از ابزارهای مهم سیاست نو استعماری بدل شده و میشود. در چنین شرایطی لازم است دولت ایران از طرق مختلف، منجمله از راه تعیین قیمتهای عادلانه برای خرید محصولات کشاورزی بکمتدافتان و کشاورزان بشتاید و نیل به هدف خود کفایتی خواربار و دیگر محصولات کشاورزی از راه تولید داخلی را در برابر خود قرار دهد.

شاه از مجموعه این جریان بشکر دیگری نتیجه گیری میکند. بازده کم، کارایی کمتر و تولید بسیار بسیار اندک در کشاورزی ایران از نظر او مستلزم اینست که قیمت محصولات چینی تولیدی نیز در سطح نازل نگاه داشته شود. او میگوید اگر قیمت محصولات کشاورزی تولید شده در داخل را بالا ببریم، کشاورزی ناسالم و مریض خواهد بود و بالاخره یکی از بین خواهد رفت. این استدلال واقعاً «شاهانه» است. چه طبق آن تجویز دوا برای بیمار موجب بازگشت سلامتی نشده، بلکه بمرگ وی منتهی میشود. حقا که علی تر از این نمیتوان ضرورت مقدم داشتن منافع امریالیسم بویژه امریالیسم آمریکا، که اکنون به غصب بازار فروش محصولات کشاورزی ایران نائل شده، بر منافع دهقانان زحمتکش و کشاورزان و توده مردم را به «ادبات» رسانید.

مسائل آموزش و پرورش

بنا باعتبار شاه در حال حاضر وزارت آموزش و پرورش بجای ۴۱۰ هزار آموزگار و دبیر مورد احتیاج تنها ۲۳۰ هزار آموزگار و دبیر در اختیار دارد. برای تأمین حد اقل حواصی آموزشی بنا به اعتبار شخص شاه، جای ۱۸۰ هزار آموزگار و دبیر خالیست. این بدانمعنی است که تعداد آموزگاران و دبیران موجود تنها پانصغوسی ۵۵ درصد حواصی آموزشی است. ۴۵ درصد حواصی آموزشی کشور بیست ققدان آموزگار و دبیر و اضافه کنیم ساختمان دبستان و دبیرستان و دیگر کارکنان مورد لزوم، تأمین نشده باقی مانده. عبارات ساده تر، ۴۵ درصد کودکان مدرسه رو نمی توانند درس بخوانند چون آموزگار و دبیر نیستند، مدرسه و الی آخر وجود ندارد. مشکل بیسوادی را نمیتوان از میان برداشت، چون کادر کافی آموزشی برای حل این مشکل وجود ندارد. وضع تحصیلات حرفه ای، متوسطه و عالی از این هم ناسامانتر است. این وضع درست در زمانی است که احتیاج کشور به افراد باسواد، کارشناس و دانش آموخته در سطوح مختلف روز افزون است و بدون حل اساسی این مسائل تسریع در رشد اقتصادی و پیشرفت واقعی کشور واقعاً میسر نیست.

شاه بجای آنکه راه حل صحیح مسئله تأمین کادر آموزشی را ارائه دهد و به دستور افزایش واقعی بودجه و تأمین امکانات لازم برای تسریع در تربیت کادرهای آموزشی مبادرت ورزد، امر تأمین کمبود

کادر آموزگاران و دبیران مورد لزوم را به «استفاده ساعته از هر تحصیل کرده برای درس دادن در مدارس» موکول میسازد و معتقد است که «با این کار کمبود تا حد زیادی جبران خواهد شده» و وضع بکلی عوض خواهد شد؟! ناگفته پیداست که در اینجا نیز نظر «شاهانه» حمایت عملی از ادامه سیاست جلوگیری از آموزش و ادامه بیسوادی در جامعه ایران و مسامحت از پیشرفت علم و فرهنگ در کشور است. شاه علیرغم تظاهرات گوناگون در حمایت از آموزش و پرورش و سواد و علم و فرهنگ همچنان پاسدار عقب ماندگی کشور ما در این زمینهها باقی مانده و با حل بنیادی این مسائل عملاً مخالفت میورزد.

مسئله مسکن

طبق نوشته روزنامه های زیر سانسور و آمار های دولتی هم اکنون در شهر تهران قریب صد هزار واحد مسکونی اجاره ای خالیست. علت این امر بالا بودن سطح اجاره بهاست. حتی قشرهای بالاتر از متوسط اداری و شهری نیز قادر به اجاره این خانه ها نیستند. هرم دلالان زمین و صاحبان مستغلات عمده شهری، که هر یک ده ها خانه و آپارتمان دارند و درباریان خود در رأس آنها هستند، نه فقط سالیانه بلکه طی ماه، دهها میلیارد ریال دستمزد و حقوق کارگران، پیشه وران و کارمندان ادارات را بعنوان اجاره بها غضب میکنند و به ترقیهای قانونی خود میافزایند. در این شرایط حل مسئله مسکن دیگر جز از راه ملی کردن زمینهای متعلق به مالکان بزرگ و مستغلات عمده و ایجاد واحد های مسکونی تازه شهری بطریق دیگر میسر نیست. این واقعیتی است که مطبوعات زیر سانسور نیز غالباً تحت فشار افکار عمومی بقبول آن اعتراف دارند. مخبر روزنامه «کیهان» نیز در همین جهت سؤال مربوط به وضع مسکن را با شاه مطرح نموده است. لیکن شاه اینجا نیز آب پاکسی روی دست مخبر ریخته و با صراحت خاطر نشان میسازد که با حل مسئله مسکن از راه پایاندادن به خاک بازی، سودجویی از زمین و مستغلات مخالف است و راه حل مسکن از نظر او «ساختن بیشتر و بیشتر» و «افزایش عرضه» است. در اظهارات شاه البته لفاظی حمایت از منافع اکثریت نیست. لیکن عمل شاه و دستور او درست در جهت تثبیت وضع اقلیت زمین خوار و مستغل داری است که همان مطبوعات زیر سانسور نیز از آن بنام «فوقالعاده شهری» نام میبرد.

برخی مسائل عمومی

شاید شاه در مورد دیگر مسائل مملکتی نظیر مسائل صنعتی کردن کشور، روابط کارگر و کارفرما، فرار سرمایه از ایران، مبارزه با یورو کراسی و نظایر آن نظریات صائبی ابراز داشته و در حدود معینی به خواست های طبقات وسیع مردم پاسخ داده باشد. در این موارد نیز به این اظهارات در مصاحبه شاه برمیخوریم که میگوید که: «در پول اضافی را باید در آینده مملکت سرمایه گذاری کرد. مثلاً در جاهائی مانند کروپ» (معنی آینده مملکت را هم نمیدیم) کارگران نه تنها باید مطابق دستمزد... بلکه باید بیشتر هم کار کنند، فرار سرمایه از ایران «بظرف من مالی ندارد و باعث هیچ نگرانی هم نیست»، راه مبارزه با یورو کراسی هم «کامپیوتری کردن کارها، است و نظائر این پاسخها» کلیه این اظهارات مبین آنست که شاه نه در سطح مصالح عمومی و منافع طبقات زحمتکش و ملی، بلکه در سطح مصالح خصوصی و آنچه مربوط به حفظ رژیم و تأمین منافع اقلیت سرمایه داران بزرگ وابسته به امریالیسم است میاندیشد و لاغیر. شاه گذشته از مسائلی که به آنها اشاره کردیم در مورد طرز اداره کشور و سیاست جهانی و خارجی نیز در مصاحبه اخیر خود مطالبی بیان نموده که جهت فکری او و نتایجی را که از این طرز فکر عاید جامعه ایران خواهد شد آشکار میسازد.

مفاهیم دمکراسی و حکومت مردم

برای عموم روشن است که شاه کمترین اعتقادی به دمکراسی نداشته و ندارد. دخالت مردم در سرنوشت خود و این امر که راه رشد اجتماعی و اقتصادی راهی است که خود مردم باید آن را برگزینند و نه اینکه افراد طبق سلیقه خود آن را زمین و دیکته کنند برای

شاه مقوله های ناپذیرفتنی است. از خلال مصاحبه اخیر شاه نیز کاملاً مشهود است که او در طرز فکر استبدادی خود کاملاً پیگیر است و تجارب و مسامحت (گرچه این تجارب برای تغییر هر مغز متحجر کافئ است) نه فقط او را به عقب نشینی وادار نساخه، بلکه وی را در نظریات استبدادی قرون وسطائی اش با برچنا تر و سرسخت تر نموده است. شاه از حوادث زمان بجای آنکه در جهت تغییر در فکر و روحیه خود و قوت و پوسیده بودن نظام استبدادی سلطنتی نتیجه گیری کند، گرچه بسیار عجیب بنظر میرسد، در جهت استهزاء دمکراسی و توصیه به ممالک غربی دائر به بازگشت به رژیمهای استبدادی قردی، نتیجه گیری نموده است.

این جملات حیرت آور از آن مصاحبه مطبوعاتی شاه است که میگوید «خیلی دلم میخواست میتوانستم بجای این اصطلاح دمکراسی که این قدر مسخ شده و به اقتضاحات امروز کشیده، اصطلاح دیگری پیدا میکردیم»، «دمکراسی - اگر وجود داشته باشد - غیر از این کاری که ما میکنیم چه معنائی میتواند داشته باشد؟» بزعم شاه پایمال ساختن هر نوع آزادی قردی و اجتماعی و آدمکشی علنی سازمانهای امنیتی و پلیسی «دمکراسی» است. با این طرز فکر البته شاه حق دارد متعجب باشد که چرا حتی دوستان غربی او، وی را مستعد و دیکتاتور مینامند. کسی که میگوید «حتی به زور هم شده، باید بر یک ملت حکومت کرد» البته دراینداع معانی و مفاهیم دلخواه برای دمکراسی مختار است. اما این مفاهیم میتوانند در چهار دیواری کاخ سلطنتی و زندانهای علنی و غیرعلنی که ساتراپان شاه بر آنها حکومت میکنند اعتبار داشته باشد و نه در خارج از آنها. جالب تر از همه اینکه شاه با این طرز تفکر اظهار امیدواری میکند فلسفه او نه فقط بحد ایران و ملت ایران میخورد، بلکه «کشورهای دیگری هم ممکن است از نظر تئوریک (۱) از آن استفاده کنند» !!!

مسائل جهانی و سیاست خارجی

از این ترهات در گذریم و به اجمال هم شده به بررسی اظهار نظرهای شاه در مسائل جهانی و سیاست خارجی بپردازیم که بهر حال و متأسفانه برای سرنوشت کشور ما نتایج عملی بر آنها مترتب است. شاید در این زمینه ها فکر اعلیحضرت فارغ از تیرگی بوده و تا حدی مقتضی منافع کشور ما و صالح باشد که همه از آن بهره ببرند! اتفاقاً چنین نیست. شاه چنانکه خود میگوید محیط بین المللی را تیره و تاری می بیند. وقتی از او سؤال میکنند «نگرانیهای شاهنشاه درباره آینده کدام است؟» پاسخ میدهند «از لحاظ دنیا «بطور کلی» نگرانی هایم اتفاقاً خیلی زیاد است... بنظر میرسد که تا هفت یا هشت سال دیگر سرنوشت دنیای امروز ما تعیین خواهد شد. باین معنی که آن تمدنی که ما میشناسیم (یعنی سرمایه داری امریالیستی) تمدنی که البته معایب زیاد دارد، اما خوب مدلسنی هم دارد، خواهد ماند یا نه؟ آیا دنیای ما درگروم خواهد شد؟ آیا دنیای ما زیر و رو خواهد شد؟ جواب این سؤال ها تا هفت یا هشت سال دیگر روشن خواهد شد».

چنین سؤال و جوابی فقط از جانب کسی میتواند طرح شود که از خواب بسیار آشفته ای برخاسته و یا دچار چنین خوابی باشد. شاه همیشه خواب ادامه سلطنت مطلقه را میدیده. او معتقد است که دست غیبی حافظ تخت سلطنت و حامیان است. اکنون بنظر میرسد که امید وی از همه جا قطع شده. شاه با مرحله ای از تاریخ و اوج جنبش خلقها خود را مواجه می بیند که دیگر توسل به نیروی غیبی را هم برای حفظ خود و آن تمدن غارتگری که در پناه آن رژیم های مشابه او قرار گرفته اند بیفایده میدانند. این درجه از یأس و بدبینی شاه نسبت به آینده اتفاقاً نمودار بدی برای خوش بین تر شدن توده های اسیر، مبارزان آزادی دمکراسی و استقلال نیست گرچه اینان بخوبی میدانند که تا پیروزی هنوز راه بس دشوار در پیش دارند و طی این راه مستلزم تجهیز همه نیروها علیه امریالیسم و رژیمهای دست نشانده آنست.

شاه با ابراز نگرانی از آینده جهان و منطقه البته هدف معینی را دنبال نمیکند. وی در جواب این سؤال که «تجولات منطقه خردمان را چگونه میبینید؟ میتوان خوشبین بود یا نه؟» پاسخ میدهد «فعلأ هیچ

کفرانس همبستگی سندیکائی... نسبت برقرار ظالمانه و ضد بشری اسرائیل یک میلیون عرب فلسطینی در زمینهای اشغال شده اعتراض کردید. در پیام بکارگران های کارگری جهان لزوم خروج نیروهای نظام از لبنان، حفظ وحدت لبنان و واگذاری حل این کشور به مردم آن تصریح گردیده است. کارگران! زحمتکشان! مردم شرافته بیاری خلق تجدیده و دلیر فلسطین که بزور آژنر لیسیم و صهیونیسم از خانه و مین خود رانده شده اند بشتابیم و از دادن کمک مالی و لوازم از هر راه و زیر هر عنوانی که ممکن است نوزیم - این وظیفه انسانی و اخلاقی است. گویا

چیزی که باعث خوشبینی نباشد نمی بینیم! ما همچنان قوی شدن و قوی ماندن است میخواهد نه فقط بدینوسیله به سردمداران باد تممن مورد دلفواش «هشدار باش» بدهد و به ادامه جنگ سرد و سیاست تسلیحاتی و روی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز تشویق و ترغیب بلکه قصد اساسیش تیره و ادامه سیاستی است خود او در این مورد در پیش گرفته و در آن می ورزد.

شاه سیاست نظامیگری و تسلیحاتی در واری را در پیش گرفته و بدون توجه به خطرات این سیاست برای امنیت کشور ما و صلح جهان ببار میآورد و حتی علیرغم مخالفتی که این سیاست در میان هیئت حاکمه ایران وجود میخواهد آن را ادامه دهد. از همین جاست که برای قبول هیچ تغییری در سیاست نظامی تسلیحاتی خود که او بدروغ بدان نام دفاع از میدهد گوش نشود! ندارد. و درست بکس فر و ادامه آن لجاجت میورزد. در همین مصاحبه وقتی باو سؤال میدهند که «آیا دفاع از ایران سیاست مستقل ملی نمیتواند جزو اصول انقلاب

گیرند؟» شاه خاطر نشان میسازد که او آن دو را «بعنوان دو «مافوق اصل» اعلام میکند. و این حتی «مافوق زمان و تاریخ» میشارد. معنی این اینست که شاه بهیچوجه حاضر نیست در باره تع نظر در سیاست نظامیگری و تسلیحاتی دیوانه وار خود وی آنرا سیاست دفاعی مینامد حتی کلمه ای بشه صلح را بارمغان آورد سکوشا باشند.

شاه با اظهارات آشکار و عمل خود نیاز مقاصد ضد ملی و ضد خلقی خویش را آشکار ساخته است. اکنون نوبت مردم ایران است که از کشور خود درجاده تشدید مشکلات اقتصادی، اجتماع و استسگی بیشتر به امریالیسم و تحقق توسعه، خطرناک نظامی آن جلوگیری کنند و برای است رژیمی که استقلال، آزادی، دمکراسی و وحدت صلح را بارمغان آورد سکوشا باشند.

۲ جهات

با این آدرس با رادیو پیک ایران، با روزنامه مردم دنیا، مجله مسائل بین المللی مکاتب کنید!

P. B. 49034
10028 Stockholm 49 Sweden